

اعتراضات کارگری در حال افزایش و اعتلاست

پس از یک شبانه روز بازداشت موقت آزاد شدند اما کارگران همچنان با مشکلات فراوان روبرو هستند. یکی از این افراد ضمن اعتراض به غیرمنصفانه بودن بازداشت آنها گفت: کجای دنیا فردی را که به دنبال حق طبیعی خود می باشد بازداشت می کنند؟ مگر ما از مدیر کارخانه بیشتر از حقوق عادلانه خود طلب داریم؟ دفعات مکرر حتی به همراه خانواده های خود جهت احقاق حقوق معوقه و مآخره به نشانه اعتراض جلوی در استانداری تجمع کردیم ولی نه تنها مشکلات ما از سوی هیچ مقام مسئولی حل نشد بلکه با همکاری ما و خانواده آنها برخورد صورت گرفت. همه این جریانها در حالی رخ داده که شرکت صنایع اراک همچنان تعطیل است و تولید در شرکت متوقف می باشد.

کارگران ایران متحد شوید!

اتحاد برای ایجاد شوراهای سراسری کارگران

یک بار دیگر تاریخ میهن ما به سرمنزلگاه تعیین کننده خود رسیده است طی یکصد سال اخیر خیزش مبارزاتی مردم؛ برای آزادی و دموکراسی؛ رفع ستم و تبعیض و استثمار و بهره کشی؛ با دو انقلاب (مشروطه و بهمن 57) و حدود ده جنبش سراسری و منطقه ای (تنباکو؛ نهضت جنگل؛ کردستان؛ آذربایجان؛ خراسان؛ فارس؛ نهضت ملی سالهای 30-32؛ جنبش 15 خرداد و...) همراه بوده است اما حکومت های دیکتاتور؛ فاشیست و سرکوبگر با استقرار نظام های اقتصادی - مالی انحصاری و استثمارگراییه و چپاولگر توانسته اند سازمان های سرکوب خود را بر پا و متشکل کنند و هر چند توانستند در دوره فراز حکومت؛ نسل قیام کننده دوران خود را قلع و قمع و مطالبات آنان را در گلو خفه کنند؛ اما با عدم حمایت واقعی از طرف مردم و در دوران شکوفایی نسل بعدی؛ حکومت ها دوران افول خود را طی کرده و در مقابل مردم بپاخاسته بخاک افتاده اند و تمام علائم؛ نشانه ها؛ آثار و سلسله آنان دود شده و بهوا رفته است. حکومت فقهی کنونی که در قالب جمهوری اسلامی بر امواج برآمده از انقلاب 57 با تأیید چهار کشور های سرمایه داری آمریکا؛ انگلیس؛ فرانسه و آلمان در کنفرانس گوادولوپ برای نجات نظام سرمایه داری در ایران؛ با وساطت آمریکا و توسط ژنرال هایبر به ساخت و پخت و تفاهم با سران حکومت شاه منجر گردید

سراسر هفته ای که گذشت، اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و تظاهرات کارگری بود. کارگران کارخانه لاستیک البرز با تجمع در محل کار و آتش زدن لاستیک، اعتراض خود را به اخراج رفقایشان و پرداخت مطالبات معوقه خود ابراز داشتند و خواستار راه اندازی کامل کارخانه شدند. کارگران کارخانه نورد لوله صفا، روزهای دوشنبه و سه شنبه در اعتصاب بودند. کارگران شهرداری اندیمشک چند روز در مقابل ساختمان شهرداری و فرمانداری تجمع اعتراضی برپا کردند تا ۱۳ ماه حقوق معوقه خود را بازپس بگیرند. کارگران و کارکنان شهرداری سعیدآباد نیز در این هفته در اعتصاب بودند. کارگران نوشابه سازی ساسان در اعتراض به اخراج و بازخرید، تجمعات اعتراضی برپا کردند. کارگران شرکت آوانگان اراک، صبح روز چهارشنبه در مقابل فرمانداری اراک اجتماع کردند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. اما پاسخی نشنیدند. لذا ۴۰۰ کارگر این کارخانه با راهپیمایی و تظاهرات در خیابانها اصلی شهر، اعتراض خود را به پایمال شدن حق و حقوقشان و پرداخت نشدن مطالبات ابراز داشتند. این اعتراضات کارگری که فقط گوشه کوچکی از اعتراضات همه روز کارگران در سراسر ایران است، از یک طرف نشان دهنده شرایط اسفباریست که نظم طبقاتی سرمایه داری و رژیم پاسدار آن، جمهوری اسلامی به کارگران تحمیل کرده است و از سوی دیگر، روحیه مبارزاتی و اعتراضی بالای کارگران را بازتاب می دهد.

جمهوری اسلامی در سراسر دوران حیات ننگینش در ایران، جز تشدید استثمار، بی حقوقی، بی کاری، فقر و گرسنگی ارمغانی برای کارگران نداشته است. از روزی که سیاست اقتصادی موسوم به نئولیبرال در ایران به مرحله اجرا درآمد، روز به روز وضعیت کارگران از جمیع جهات وخیم تر شد. خصوصی سازی که هدف دیگری جز انتقال مفت و مجانی حاصل دسترنج کارگران به سرمایه داران بخش خصوصی و مقامات دولتی نداشت، مدام منجر به بی کاری روزافزون کارگران گردید. آزادسازی قیمت ها، سطح معیشت کارگران را پیوسته تنزل داد. حقوق قانونی کارگران پی در پی مورد دستبرد قرار گرفت و میلیون ها کارگر حتا از شمول قانون کار خارج شدند. قراردادهای سفید امضا، کارگران را به برده بی حق و حقوق سرمایه داران تبدیل نمود. اکنون نیز مدت هاست که سرمایه داران به بهانه بحران ماهه حقوق و مزایای کارگران را به تعویق می اندازند و با تعطیل برخی کارخانه ها، کارگرانی را که سالها از عمر خود را در کارخانه کار کرده اند، اخراج می کنند. احمدی نژاد با سیاست های به غایت ارتجاعی و ضد کارگری اش، فشار بر کارگران را تشدید کرده و فقر و گرسنگی را در ابعاد حیرت آور گسترش داده است. اعتراضات کارگران به وضعیت اسفباری که با آن رو به رو هستند، در سالهای اخیر مدام در حال افزایش بوده است. کارگران برای مقابله با سرمایه داران و دولت آنها، تلاش نموده اند که به هر شکل ممکن خود را متشکل سازند تا بتوانند در مقابل این تعرضات افسار گسیخته سرمایه داران به حقوق و سطح معیشتشان، قدرت مقاومت و ایستادگی متشکل را داشته باشند. اما رژیم به غایت ضد کارگری و فاشیست جمهوری اسلامی، این تلاش های کارگران را با قهر و سرکوب و به بند کشیدن فعالان کارگری پاسخ داده است. در پی اعتراضات وسیع مردم ایران در طول چند ماه گذشته، جمهوری اسلامی که از روی آوری کارگران به جنبش سیاسی کنونی، در وحشت و هراس به سر می برد، فعالان کارگری را پی در پی دستگیر و روانه زندان کرده است. جدیدترین آن نیز، بازداشت علیرضا تقفی روز دوشنبه بود. با این وجود، همان گونه که مبارزات کارگران در این هفته نشان می دهد، نارضایی، اعتراض و مبارزه در صفوف کارگران رو به افزایش است. اما این اعتراضات کارگری هنوز پراکنده، نامتشکل و جدا از یکدیگرند. همین نقطه ضعف نه فقط مانع از آن می گردد که در اغلب موارد، کارگران نتوانند مطالبات فوری خود را متحقق سازند، بلکه تاکنون نتوانسته اند به صورت یک طبقه با اهداف و مطالبات مختص خودشان به نبردی سرنوشت ساز برای سرنوشتی نظم نیکتبار سرمایه داری برخیزند. کارگران برای رهایی از این وضعیت راه دیگری جز اتحاد و تشکل و روی آوری به عمل سیاسی برای برانداختن نظم موجود ندارند. کارگران باید به هر شکل ممکن به ویژه با توجه به شرایط سرکوب و اختناق کنونی، خود را در کمیته های مخفی کارخانه متشکل سازند. با رفقای همرزم خود در کارخانه ها و مؤسسات دیگر تماس بگیرند. تشکل های منطقه ای و سراسری ایجاد نمایند و نه فقط برای پیروزی مطالبات روزمره خود، بلکه برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری که سرمنشاء تمام بدبختی کارگران است، تلاش کنند. روحیه رزمنده و مبارزه جویانه کارگران ایران نشان می دهد که به خوبی می توانند بر این نقطه ضعف خود که همانا پراکندگی و عدم تشکل است، غلبه کنند.

تفسیر سیاسی هفته - برگرفته از رادیو دموکراسی شورایی

گزارشی از اعتراضات کارگری در شرکت صنایع اراک

هفته نامه عطر یاس؛ این تجمع در ادامه اعتراضات دو سال اخیر کارگران این شرکت در قبال تاخیر مدیرعامل در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان، تعطیلی کارخانه و اخراج کارگری می باشد.

تعدادی از کارگران در در حین اعتراض و تجمع در محوطه داخل کارخانه بازداشت شده بودند،

که دهها هزار مبارز را در ابتدای حاکمیتش اعدام کرد و کشته شدن ششصد هزار ایرانی بهمهراه خرابی دهها شهرها و صدها تأسیسات و کارخانجات را که برای حکومتش مفید می دانست رسماً "نعمت الهی دانست - اینک هر روز بخش های زیادی از حکومت گران سرکوبگر و ضد بشر دیروز از تداوم حاکمیت آن نا امید شده ؛ و چهره اپوزیسیون و منتقد بخود می گیرند و آماده معاملات و توافقات پشت پرده می شوند تا ارکان سرکوبگر امنیتی - نظامی زندان ها ؛ ساختار اداری و بورکراتیک ضد بشری و ولخرج دولتی و بخصوص نهادها و ساختارهای مالی - اقتصادی موجود را حفظ کنند زیرا نهادها ؛ ساختار و نظام اقتصادی پایه و اساس سرکوب سیاسی بوده و در صورت استمرار عمر آنها ؛ اگر سیستم سرکوب چند روزی تلطیف شود برای حفظ منافع سرمایه داری و استثمار و بهره کشی مجدداً نیاز خواهند شد . این منتقدین نو رسیده کونوی و سرکوبگر دیروز ؛ مضمم هستند که با کمک کشورهای سرمایه داری و رسانه های آنها مردم را به تفسیر چند چهره و برخی امنیازات بی ارزش راضی کنند تا اساس نظام بهره کشی و استثمار حفظ شود .

اما ! آیا ما کارگران ؛ راضی به تداوم سرگرمی ها و بازی ها همانند دوران خاتمی می شویم که با هشت سال لیخنه فریبکارانه به تداوم استثمار و سرکوب بپردازند . ما کارگران فراموش نکرده ایم که تنها با بر پایی اعتصابات گسترده و قهرمانانه ما در سال 57 بود که رژیم شاه سرنگون گردید و خمینی و دارو دسته اش چگونه پشت پرده با پا در میانی امپریالیسم آمریکا و با سازش با سران حکومت شاه توانست نهادهای مالی و بهره کشی استثمارگرانه را حفظ و نهادهای امنیتی - نظامی و سیاسی و اداری و دستگاه دولتی را که دچار صدمات زیادی شده بودند را باز سازی کنند و نهادهای سرکوبگر را از اولین روزهای حکومتشان بر علیه زحمتکشانشان ترکمن صحرا ؛ کردستان و سپس کارگران کارخانجات و بیکاران بکار بردند . ما کارگران فراموش نکرده ایم که وقتی ما به اعتراض برخاسته بودیم خمینی چگونه به شاه التماس می کرد که " شما قوانین فقهی را اجرا کنید ما هم جزو سازمان شما " و پس از مشاهده قدرت مردم و کارگران متحد ؛ بر امواج انقلاب سوار شد و پا روی دوش ما کارگران گذاشت و خود را بالا کشید و سپس کل نهاد روحانیت را که یک نهاد استثمار گر است و از قبل دسترنج مردم ارتزاق می کند را بر دوش ما سوار کرد و نوبت

؛ بساط سلطنت و دیکتاتوری ؛ استثمار و بهره کشی و انواع تبعیضات را بمراتب شدید تر از رژیم قبل برقرار کرد و با بازسازی نهادها و سازمانهای سرکوب نظامی - امنیتی و دستگاه عریض و طویل اداری و ساماندهی نهادهای استثمارگر و گسترش تضادهای طبقاتی طی سی سال اخیر و با توسل به انواع خشونت ها ؛ اعدام ها ؛ سرکوب ها و حتی نسل کشی حاکمیت خود را برقرار و گسترش داد و انواع تبعیض های جنسیتی ؛ ملی و قومی ؛ مذهبی و غیره را سازمان داد . با منطبق قرون وسطایی و ددمنشانه اش حکومت خود را پایان تاریخ ایران انگاشت . حکومت دینی کونوی با همان نگاه استیجاری سراسر کشور را ملک طلق خود انگاشته و با نگرش فقهی "خودی - غیر خودی" نسبت به مردم و بالخص طبقه کارگر و زحمتکش نگاهی اربابانه دارد و با استفاده از رانت نفت ؛ قاچاق کالا ؛ فساد ؛ دزدی ؛ مصادره ؛ صادرات و واردات و حتی قاچاق سوخت همه به میلیاردر تبدیل شده اند . ناکارایی ؛ فساد در نهادهای دین سالار - نظامی و در مناسبات سرمایه داری و کانون های وارداتی - صادراتی ؛ نهادهای مالی و انحصاری دولتی و نیمه دولتی و خصوصی با شتابی بیش از پیش ؛ اقتصاد ایران را عملاً به بازار بزرگی برای مصرف کالاهای کشورهای صنعتی تبدیل کرده است و با وابستگی همه سویه کشور به درآمدهای نفتی و گازی و ورشکستگی اقتصادی و نیز فقر و بیکاری در بین کارگران و زحمتکشانشان و افشار اجتماعی را رقم زده است . روند اقتصادی ذلت بار ؛ تفاوتی در دوره حاکمیت های باصلاح اصلاح طلب و اصولگرا نداشته است از جمله در پایان دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی یک بدهی 23 میلیارد دلاری و با تورم لجام گسیخته 50% بجای ماند . اینک حکومت سرمایه داری به زعامت فقهی ؛ با شکست در کلیه ابعاد اقتصادی ؛ سیاسی و اجتماعی در ورطه بحران های نابود کننده ای گرفتار شده است و با حرکت اعتراضی میلیون ها مردم بجان آمده و مبارز ؛ حکومت برای تداوم زندگی سراپا نکیتش و فقط برای چند صباحی در رعشه مرگ دست و پا می زند ؛ و سرمایه داری جهانی نیز نگران اتمام تاریخ مصرف این حکومت و بفکر ساماندهی بدیل آنست . مجموعه بحران ها ؛ و عدم کارایی و شکست ها وضعیت را به جایی رسانده که اگر در یکصد سال قبل در دوره قاجار دو کشور روس و انگلیس و در دوران پهلوی کشور آمریکا بر مقدرات و منابع کشور ما حاکم بوده اند ؛ اینک علاوه بر آنها ؛ دیگر کشورهای قدرتمند جهانی از جمله چین و کل اروپا و همچنین کشورهای کوچک قطر و امارات و دوی و جزو کشورهای تأثیر گذار بر منابع ما می باشند ؛ مازاد تجاری امارات متحده با ایران برابر 9/5 میلیارد دلار می باشد و از طرف دیگر این کشورها -و به تازگی عراق نیز- روزانه دهها میلیون بشکه نفت و گاز را از حوزه های مشترک به یغما می برند و حاکمین قدر قدرت در ایران ؛ فقط نظاره گر مغلوب به تاراج رفتن این منابع هستند ؛ از دست رفتن سهم 50% از دریای خزر نیز جای خود دارد . در فاصله سال های 86 و 87 سهم واردات از آمریکا بیش از سه برابر افزایش یافته و جزو بزرگترین کشور وارد کننده مواد غذایی در جهان شده ایم . رکود ؛ تورم و فقر و بیخانمانی در کل کشورهای سرمایه داری در سراسر جهان ؛ با تبعات سیاست های ماجراجویانه تسخیر سفارت آمریکا ؛ جنگ هشت ساله با عراق و جنگ با تمام کشورهای منطقه شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم - که همه هیاهو برای هیچ بود - نیز انباشته شده و افزون بر تورم و ناکارآمدی سرمایه داری جهانی ؛ اقتصاد فروپاشیده ای هم اکنون گریبانگیر اقتصاد میهن ما شده است که شاهد ورشکستگی و تعطیلی هزاران کارخانه کوچک و بزرگ و بیکاری صدها هزار کارگر می باشیم . ابعاد فاجعه بحدی است که فروش 370 میلیارد دلار نفت در دولت کونوی نیز هیچ مشکلی از اقتصاد در هم ریخته موجود ننگشود و بار اصلی آن به دوش کارگران ؛ زحمتکشانش و حقوق بگیران ثابت است ؛ و تنها راه حل را حاکمیت کونوی ؛ در به یغما بردن آخرین تکه نان از سفره زحمتکشانش با طرح یارانه های خود می بیند ؛ امری که خانه خرابی گسترده تر ؛ فقر ؛ گسیختگی پیوندهای اجتماعی ؛ اعتیاد ؛ فحشاء و همه گیر شدن تنازعات و درگیری های فردی و اجتماعی را با خود بهمهراه خواهد داشت . به جهت همین بحران های گسترده است که تحت چنین حکومتی ؛ علیرغم سوابق توحش تاریخی که یک لحظه در این سی سال از اعدام و شکنجه و کشتار و شلاق و زندان روی گردان نبوده ؛ جنبش اعتراضی بحدی گسترده شده که معترضان برای ساعت ها خیابان های اصلی و مرکزی پایتخت را به کنترل خود در آورده و سرکوبگران تا دندان مسلح را خلع سلاح می نمایند و حاکمیت تنها با هجوم توسط خودروهای نظامی و گشودن آتش به روی مردم قادر به کنترل اوضاع می شود .

کارگران !! زحمتکشانش !!
جامعه ما یک بار دیگر وارد فاز انقلابی شده است زیرا ؛ بالائی ها نمی توانند . آنان برای بحران عمیق موجود ؛ راه حل های متفاوتی می دهند - که هیچکدامشان هم راهگشا نخواهد بود ؛ اگر بود ؛ کار به اینجا نمی رسید - و لذا امکان یکپارچگی ندارند و اختلافات چون بهمنی شیرازه آنها را از هم می گسلد ؛ پائین ها نیز نمی خواهند زیرا تداوم این حکومت را جز سرکوب ؛ نکبت ؛ بی حقوقی ؛ گسترش فقر و بی خانمانی نمی بینند و بلاخره ترس از جانفشانی از پایینی ها رخت بر بسته و وحشت به تمام ارکان حکومت رخنه کرده است . سلسله مراتب حکومتی یک روز وعده تصویب اعدام طرف پنج روز را می دهند و روز بعد همان ها معترضین را برانداز نمی دانند - فراموش نکنیم که این همان رژیم است

خواهش و التماس از کارفرما بلکه در **اتحاد و مبارزه طبقاتی کل کارگران** خواهد یافت. در پشت چهره هر دولت و احزاب و افراد؛ کارگران خواهند توانست منافع طبقاتی آنها را شناخته و فریب چرب زبانی آنها را نخورند و به برپایی جامعه ای اقدام خواهد کرد که هر کس به اندازه کارش بهره برده و با از بین رفتن کمبود کالا؛ ارزشش کالا برابر میزان کار صرف شده بر روی آن گردیده؛ بت وارهِ گی پول و کالا در روابط انسانی حذف شده و جای آن با رابطه انسان با انسان جایگزین شود و با تغییر وضع موجود؛ وحدت نظر و عمل در جامعه برقرار گردد

کارگران !! زمان و فرصت بسرعت در حال سپری شدن است و یک لحظه را ناپیاست از دست بدهیم و فوراً شوراها را خود را در هر قسمت کارخانه و کل کارخانه؛ منطقه؛ شهر؛ استان و سراسری برپا نماییم احقاق حقوق ما و کل مردم بجان آمده ایران تنها از طریق برقراری شوراها و تشکل های سراسری امکانپذیر است و لذا مسئله اصلی و محوری در جنبش نوین ایران در سر دو راهی قرار گرفته است: یا رهبری تاریخی در دست سرمایه داری ایران که در سودها و درآمدهای کلان در بازار سرمایه بین المللی و همدستی با حاکمیت های ارتجاعی در چپاول؛ غارت و استثمار داخلی بکلی فاسد شده قرار خواهد گرفت و یا در دست طبقه کارگر با برنامه بازسازی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و با تعمیق آزادی و دموکراسی برای کل مردم ایران و برای فردانی بهتر! جای می گیرد. دشمنان طبقه کارگر که هستی آنها مبتنی بر تداوم بهره کشی و استثمار طبقاتی است بیکار نبوده و تلاش برای غیر طبقاتی نمودن مبارزات و تجزیه کارگران بر اساس قومی؛ مذهبی؛ جنسی و سنی و دیگر مراتب داشته تا بتوانند استثمار و بهره کشی را تداوم دهند.

طرح خواسته ها و مطالبات سراسری کلیه کارگران جهت جلوگیری از تعطیلی کارخانه ها و حمایت از پرداخت بموقع حقوق تمامی کارگران و نیز لغو قراردادهای کار موقت؛ حق تشکل های سراسری کارگری و برسبیت شناخته شدن توسط کلیه نهادهای اجتماعی و سیاسی؛ افزایش حقوق به تناسب تورم؛ کار و مسکن برای آحاد جامعه؛ آموزش و درمان رایگان؛ رفع کلیه تبعیض های قومی؛ جنسی؛ مذهبی؛ حضور کارگران به تناسب جمعیت خود در مجلس شورا و قانونگذاری؛ آگاهی کارگران از قراردادهای خارجی و احتساب نظر کارگران در خصوص تصمیمات کلان که

بازاریان و تجار و کل سرمایه داران و طبقات استثمارگر رسید و آنها را هم در استثمار و بهره کشی کارگران شریک نمود؛ و نتیجتاً کارگران زیر فشار استثمار و غارت و چپاول؛ تورم و گرانی بخاک سیاه نشستند و در نهایت با قانون کار موقت اسارت و بردگی کارگران را تکمیل کرد؛ و این همه بجهت آن بود که کارگران بجای انکاء و اعتماد به قدرت و تشکل خود به دنباله روی از توهّمات خود پرداخته و قدرت خود را در اختیار خمینی قرار دادند. اگر حقوق یک کارگر با سابقه و حقوق متوسط را ماهیانه پانصد هزار تومان هم فرض کنیم حقوق یکصد کارگر در طی سی سال کار برابر 18 میلیون دلار می شود و این مبلغی است که دهها و صدها معامله در همین مملکت توسط سرمایه داران و نهادهای مالی - اقتصادی آنان در حال انجام است و میزان سرمایه و اندوخته یکی از رهبران مملکتی بر طبق افشای ارقامی که توسط عناصر امنیتی که به همراه محسن مخلیباف به خارج از کشور گریخته اند و توسط وی فاش گردید؛ برابر 36 میلیارد دلار می باشد؛ که به تنهایی برابر حقوق 200/000 کارگر طی سی سال کار با حقوق پانصد هزار تومان ماهیانه می باشد؛ بنیاد مستضعفان با 550 شرکت؛ سرمایه اش 200 میلیارد دلار ارزش دارد. تحت حکومت دینی سرمایه داران؛ نفع صرف؛ نقدینگی بی عاطفه؛ چپاول و غارت دسترنج زحمتکشانشان بر جامعه ما حاکم شده است و حکومت خدا در قالب حاکمیت پول درآمده است و غارت و استثمار که در پرده دینداری و پندارهای مذهبی و سیاسی؛ پیچیده و نا پیدا بود؛ تبدیل به استثمار آشکار و خالی از شرم؛ مستقیم و سنگدلانه شده است. هدف طبقات خرده بورژوا و بخش تحتانی بورژوازی تداوم همان نظام سرمایه داری با کمی اصلاحات و تغییرات ساختار سیاسی است؛ که با توجه به پایه های مادی استثمار؛ در جوامعی مشابه جوامع ما؛ استبداد و سرکوبی سیاسی مجدداً حاکم شده و در اندک زمانی؛ تغییرات ایجاد شده را پس خواهد گرفت. در دوران انحصار سرمایه داری و امپریالیسم تنها کارگران بنا به ماهیت وجودی خود **اگر به نقیض تاریخی و طبقاتی خود آگاه شوند و رسالت تاریخی خود را درک کنند؛** طبقه ای انقلابی و سازش ناپذیرند؛ کارگران بلحاظ تاریخی نه تنها استثمار و بهره کشی طبقاتی بر علیه خود و سایر زحمتکشانشان را مرتفع می نمایند بلکه اساس کل بهره کشی؛ استثمار و تضاد طبقاتی را محو می کنند؛ کارگران دموکراسی؛ آزادی و حقوق بشر را در حد اعلامی خود؛ نهادینه و تکامل جامعه که بر اساس تکامل هر فرد مبتنی است را در برنامه خود قرار می دهند و کلیه تبعیض های قومی و ملی؛ جنسیتی و مذهبی را بر می چینند؛ زیرا کارگران؛ منافع خاصی ندارند و بر خلاف دیگر طبقات و اقشار تنها بفکر منافع طبقه خود نیستند بلکه بفکر آزادی کل جامعه می باشند. طبقه کارگر آگاه؛ آزادی و دموکراسی را به حد نهایت رشد می دهند؛ سرمایه گذاری در ابزار تولید را تحت نظام انسان محور گسترش داده و با نابودی بیکاری و فقر بهمراه آن؛ کلیه تبعیضات؛ اعتیاد و تن فروشی را ریشه کن می کنند و روابط انسانی را تنها بر اساس نیاز انسانی و رابطه انسان با انسان؛ برقرار می سازند.

اما این سنووال مطرح می شود که آگاهی طبقاتی کارگران چگونه حاصل می شود؟ کارگران وقتی به آگاهی طبقاتی دست می یابند که بتوانند **موضوعات اقتصادی مانند سرمایه؛ کالا؛ کار؛ پول؛ ارزش اضافی و غیره را به مناسبات انضمامی میان انسان ها تبدیل کنند** که چکیده و مختصر آن عبارت از اینست که: سرمایه یعنی کار انباشته شده کارگر که از بخش کار اضافی کارگر برای سرمایه دار بدست می آید و همین کار انباشته شده (کار مرده) بر کار زنده فعلی کارگر حاکمیت یافته و تداوم استثمار کارگر را تضمین می کند یعنی ارزشی را که کارگر تولید می کند به ابزاری بر علیه خودش بکار گرفته می شود در مناسبات سرمایه داری هستی اجتماعی کارگر و کار وی به مثابه یک کالا در نظر گرفته می شود و همانند یک شئی صرف در فرایند تولید ادغام می شود و مثل هر کالای دیگری در جریان مصرف محو می شود؛ از کار زنده تنها پوسته کمی و نقدینگی برای سرمایه دار و کارفرما بجای می ماند. در این نظام چون کارگر را بصورت یک کالا در نظر می گیرند وقتی به کارگر کار می دهند؛ که کارگر با ایجاد ارزش اضافی بر سرمایه که یک مقوله اجتماعی است بیفزاید؛ سرمایه که منظور نه دارایی شخصی بلکه دارایی که باعث استثمار می شود - یک مقوله اجتماعی است اما اختیار و تنها بهره بردار آن **فرد** سرمایه دار است که تمام ارکان زندگی انسان را تبدیل به کالا می کند؛ در نتیجه رابطه انسان با انسان بصورت رابطه شئی با شئینی و یا کالا با کالا در می آید و همه چیز در زندگی انسان بصورت **یت وارهِ گی** خود را نشان می دهد؛ دولت؛ قوانین حقوقی و قوانین کار و فرهنگ؛ ایدئولوژی؛ دین رایج و... در جامعه سرمایه داری در خدمت سرمایه دار و برای کسب ارزش اضافه وی عمل می کنند. کار زنده و انسان نیست که در جامعه حاکم است بلکه این سرمایه همان کار فشرده کارگر است بر جامعه حکم رانده و مقدرات جامعه را تعیین می کند و چون سرمایه همواره تمایل به انحصار دارد؛ برای بیرون کردن رقبا؛ نیاز به جنگ؛ بحران؛ تورم؛ رکود؛ بیکاری (ارتش ذخیره کار تا هر کارگری که بازدهی کمی داشت به راحتی اخراج و جایگزین کند) و فقر و... دارد؛ و در این راستا جنگ های منطقه ای و بین المللی همواره در جریان است. اگر شناخت واقعی موضوعات اقتصادی و روابط انسانی برای کارگران روشن شده و با از حالت راز و بت وارهِ گی بیرون بیاید آنگاه کارگر رشد و ترقی خود را نه بصورت انفرادی و با

در اینترنت چند کلیپ ویدئویی هم منتشر شده که ظاهراً مربوط به اعتراض کارگری امروز اراک است. در یکی از این کلیپ ها کارگران معترض در حال راهپیمایی شعار می دهند «یا حجت ابن الحسن عسگری/ وقت ظهور است اگر بنگری» و در کلیپ دیگر صدای شعار «نگ ما نگ ما/ صدا و سیمای ما» به گوش می رسد. آنگونه که خبرنگار مهر گزارش کرده، همزمان با تجمع کارگران در خیابان های اراک، «یگان های نیروی انتظامی حضور موثر داشته» و ترافیک سنگینی هم در خیابان های منتهی به محل تجمع به وجود آمده بوده است.

کارگران کارخانه آونگان اراک شش ماه است که حقوق نگرفته اند و می گویند مسئولان استان مرکزی هنوز کاری برای رفع مشکلات آنها نکرده اند و هیچیک از تعهداتشان جرا نشده است. این در حالی است که فرماندار اراک می گوید حل مشکلات شرکت آونگان از اختیار استان مرکزی خارج است. این مقام مسوول مدیران این شرکت را به ناتوانی در اداره آن متهم کرده.

یک کارگر معترض به خبرنگار مهر گفته است که کارگران می خواهند مطالبات قانونی شان را از مسیر قانونی پیگیری کنند ولی فشارهای شدید ناشی از شش ماه کار بدون حقوق دیگر برایشان قابل تحمل نیست.

حکایت کلیه فروشنی کارگراخراحي

ایران خودرو دیزل

فریادرسني هست؟

ایلنا: یازدهم اردیبهشت ماه سال 1386 و روز کارگربود. کارگران در مجموعه ورزشی شیرودی تهران گرد آمدند و خواسته های خود را مطرح کردند. یکی از این کارگران سیدجواد موسوی عضو شوراي اسلامي کار ایران خودرو دیزل بود. به گزارش خبرنگار ایلنا، موسوی در این گردهمایی با رعایت مصالح ملي نظام، خواستار توجه مسوولان و دولتمردان به قشر کارگر شدو از کارگران هم خواست که با اتحاد پیگیرمنافع صنفی خودباشند.

اما بعد از این مراسم و زمانی که موسوی به شرکت ایران خودرو دیزل بازگشت مدیریت شرکت به بهانه های واهی او را تحویل مقام های انتظامی داد و بهانه ایشان هم صحبت های او در روز جهانی کارگر بود، صحبت هایی که از سردلسوزي و درد و با رعایت موازین نظام انجام شد. موسوی از کارگران قراردادی شرکت بود و پایان قراردادش هم 14 خردادماه بود و تازه یکسال هم از زمان حکم وزارت کار مبنی بر عضویت در شوراي اسلامي کار ایران خودرو دیزل باقی بود اما مدیریت شرکت قرارداد او را که 10 سال سابقه

با کل جامعه مرتبط می شود از حقوق پایه ای و اساسی کارگران است؛ چرا کارگران که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل داده و تمامی ثروت ها و نعمات جامعه را تولید می کنند از حقوق پایه ای فوق محروم هستند و قشر روحانی و سرمایه داران با جمعیت اندک خود تصمیم گیرنده کلیه ارکان مملکتی هستند؟ گسترش آزادی ها ی اجتماعی؛ دموکراسی برای تمامی مردم و رفع هر گونه تبعیض و اجحاف؛ جدایی دین از دولت و خصوصی شدن امر دین؛ می بایست جزو مطالبات کارگری قرار گیرد

تاریخ نسبت به مردم و طبقاتی که جسارت و شهامت تاریخی در اجرای وظایف خود نداشته و نتوانند آنرا محقق کنند توجه نخواهد کرد و تغییری در وضعیت و سرنوشت آنان ایجاد نشده و آینده آنان در سایه گذشته در تنگنا؛ فقر و بی حقوقی روز افزون سپری خواهد شد و تنها با کوبیدن مهر ابطال بر گذشته اسارت بار و بزیر کشیدن کل طبقات ارتجاعی؛ و شروع انقلاب اقتصادی - اجتماعی و انسانی؛ می توانیم زندگی را در صبحدمی؛ بشارت بار آغاز کنیم؛ و لذا آینده جامعه ما با اسارت و بربریت تحت نظام سرمایه داری و یا آزادی و دموکراسی و نابودی هر گونه تبعیض و تضاد طبقاتی در حکومت شورایی می باشد و این بستگی به تلاش طبقه کارگر در اجرای رسالت تاریخی خود دارد که اولین گام آن بر پایي شوراهای متحده کارگری است.

آزادی؛ دموکراسی و برابری

شوراهای کارگری

جمهوری اجتماعی

اتحاد برای ایجاد شوراهای سراسری کارگران

شعارها؛ شعارهای طبقه کارگر می بایست از اهداف و برنامه های این طبقه منتج شود و لذا از کارگران اهل ذوق درخواست می شود که شعارهایی از نوع شعارهای زیر را طرح؛ تا برای گسترش مبارزات و تشکل های کارگری برپرچم مبارزات خود بنشانیم

آزادی؛ دموکراسی؛ برابری - جمهوری شورایی

آزادی واقعی - حکومت شورایی - بدست زحمتکشان (بقیه شعارهای این اعلامیه بعلت کمبود

فضا حذف شده اند - سوسی انقلاب)

از کارگران؛ فعالین؛ تشکل های کارگری در راه بر پایي حکومت شورایی دعوت می شود که

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد

کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دو روز متوالی دست از کار کشیده و به اعتراض علیه کارفرمایانشان پرداختند.

کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان روز پنج شنبه گذشته در صدد اعتصاب بر آمدند که با وعده معاونت اداری مالی کارخانه مبنی بر پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران در روزشنبه دهم بهمن ماه از اقدام خود منصرف شدند. اما روز شنبه از پرداخت حدود 2/5 ماه از دستمزد معوقه کارگران خبری نشد و به همین منوال تا روز دوشنبه 12 بهمن ماه کارفرما به وعده خود مبنی بر پرداخت دستمزد کارگران عمل نکرد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال این وضعیت کارگران از اولین ساعت کاری روز دوشنبه 12 بهمن ماه دست از کار کشیدند و تولید را در سالنهای مختلف خواباندند. در پی این اعتصاب از سوی کارگران بار دیگر معاونت اداری و مالی کارخانه حدود ساعت 11 صبح به کارگران اعلام کرد شب دستمزدهای آنان پرداخت خواهد شد و به این ترتیب کارگران به اعتصاب هشداردی خود پایان دادند.

شب گذشته نیز کارفرمای نورد لوله صفا به وعده خود عمل نکرد و همین امر باعث شد کارگران این کارخانه از اولین ساعت اداری سه شنبه 13 بهمن ماه بار دیگر اعتصاب خود را از سر بگیرند. با شروع مجدد اعتصاب از سوی کارگران حوالی ظهر تعدادی از مسئولین کارخانه که از تهران آمده بودند در میان آنان حاضر شدند و اعلام کردند فردا 14 بهمن ماه دستمزدهای معوقه کارگران حتما پرداخت خواهد شد. کارگران نیز متقابلاً اعلام نمودند چنانچه فردا نیز کارفرما به وعده خود عمل نکند بار دیگر و این بار بطور نامحدودی اعتصاب را از سر خواهند گرفت و تا دریافت دستمزدهای معوقه خود دست از اعتصاب نخواهند کشید. بنا بر اظهارات کارگران کارخانه نورد لوله صفا، کارفرمای این کارخانه در حالی که از حدود دو ماه و نیم پیش تاکنون ریالی از دستمزد کارگران را پرداخت نکرده است اقدام به خرید کارخانه های موتورز تبریز و کارخانه پمپ ایران سازنده دستگاههای تولید هوا کرده است. لازم به یادآوری است کارخانه نورد لوله صفا در 9 کیلومتر 9 اتوبان تهران ساوه قرار دارد و حدود 1300 کارگر در آن مشغول بکار هستند.

جمع و راهپیمایی کارگران معترض در اراک

ندای سبز آزادی؛ کارگران شرکت آونگان اراک صبح چهارشنبه سر کار خود حاضر نشدند و در اعتراض به اینکه شش ماه حقوق نگرفته اند، در خیابان های اصلی شهر اراک تجمع کرده و مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

یک خبرنگار خبرگزاری مهر که در محل حاضر بوده، تعداد کارگران معترض را 400 نفر تخمین زده و نوشته که آنها خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیتشان و برخورد قانونی با مالکان این شرکت بوده اند.

کارهم در این واحد صنفی داشت را تمدید نکرد و این آغازی دردناک برای این کارگر و عضو شورای اسلامی کار بود. البته موسوی به وزارت کار هم مراجعه کرد اما چیزی دستش را نگرفت و بالاخره تسویه حساب او صادر و حکم اخراجش تحویل شد. موسوی 45 ساله این روزها حتی به دنبال فروش کلیه‌اش است زیرا هرچا که مراجعه می‌کند به دلیل سن او کاری به وی نمی‌دهند. اما موسوی می‌گوید: آیا این عدالت است؟ آیا صحبت صنفی کردن جرم است؟ آیا کسی نیست به فریاد من برسد؟ من دو فرزند دارم و روزگار برایم سخت شده است. او می‌افزاید: تنها خواسته‌ام کار است. هرچا که می‌خواهید کاری به من بدهید تا شرمنده خانواده‌ام نباشم. آیا باید بگویم که زخم می‌خواهد طلاق بگیرد که البته می‌خواهد این کار را بکند تا شما کاری به من ندهید.

وی می‌گوید: ارزیابی‌جمهور عدالت‌محور، از وزیر صنایع، از وزیر کار و از هر کسی که می‌تواند کاری به من بدهد و به وضعیت بفرنج من پایان بخشد طلب کمک دارم.

کارگران کیان تابر دوباره تجمع کردند

به دنبال تجمع دوباره جمعی از کارگران کیان تابر که پیش از ظهر امروز در محل این کارخانه برگزار شد، مسوولان اسلامشهر به منظور متقاعد کردن کارگران به این کارخانه رفتند و با تجمع کنندگان گفتگو کردند.

ایلنا: به دنبال تجمع دوباره جمعی از کارگران کیان تابر که پیش از ظهر امروز در محل این کارخانه برگزار شد، مسوولان اسلامشهر به منظور متقاعد کردن کارگران به این کارخانه رفتند و با تجمع کنندگان گفتگو کردند.

کارگران کیان تابر در گفتگو با خبرنگار ایلنا، اعلام کردند که به دلیل محقق نشدن وعده‌های داده شده صبح امروز برای مدتی در محوطه کارخانه تجمع کرده و آتش روشن کردند. به گفته کارگران پس آنکه فرماندار اسلامشهر به منظور گفتگو با کارگران در محل کارخانه ای حاضر شد؛ کارگران به تجمع خود پایان دادند تا در سالن غذاخوری با فرماندار اسلامشهر به گفتگو و مذاکره بپردازند.

بابک زنده جاهد مدیر روابط عمومی کارخانه کیان تابر در رابطه با تجمع امروز به ایلنا گفت: دلیل این تجمع تاخیر در پرداخت مطالبات گذشته کارگران بوده است.

وی با بیان اینکه مطالبات مورد بحث به مدیر خلع ید شده است کارخانه مربوط می‌شود؛

گفت: هرچند مدیریت موقت دولتی پرداخت این مطالبات را به عهده دارد اما به دلیل مشکلاتی که در تامین منابع وجود دارد پرداخت مطالبات و تامین مواد دچار تاخیر است. زنده‌جا گفت: به دنبال ناتوانی مدیر قبلی، دولت از دی ماه سال گذشته اداره موقت کارخانه را به هیات نظارت بر صنایع واگذار کرده است.

در هفته‌های گذشته نیز کارگران لاستیک ابرز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود علاوه بر برگزاری تجمعی مشابه به وزارت صنایع و معادن نیز مراجعه کرده بودند.

همان زمان گفته شد که به دنبال مراجعه کارگران به وزارت صنایع، گروهی 9 نفره از کارگران لاستیک البرز توسط کارفرما اخراج شدند.

پس از انتشار این خبر، روابط عمومی شرکت کیان تابر با انتشار جوابیه ای به نقل از کارگران هرگونه اخراج کارگران کیان تابر را تکذیب کرد.

تعویق دستمزدها و ادامه مبارزات کارگران لاستیک البرز

مبارزات کارگران لاستیک البرز برای گرفتن دستمزدهای معوقه خویش همچنان ادامه دارد. سرمایه داران و دولت سرمایه همچنان به مصادره دستمزدهای کارگران ادامه می دهند و در طول این مدت تمامی اشکال اعتراض آنان را بی جواب گذاشته اند. کارگران بر فشار مبارزات خویش افزوده اند. آنان موفق شده اند که 9 نفر از همزنجیران اخراجی خویش را به سر کار باز گردانند. اما از پرداخت حقوق های معوقه چند ماهه هنوز هیچ خبری نیست. چند صد کارگر لاستیک البرز در ادامه مبارزات خویش در صبح روز یکشنبه 11 بهمن ماه، بار دیگر برای ساعاتی چرخ تولید را از کار انداختند، همه آن ها در محوطه داخلی حیاط کارخانه اجتماع کردند و با افروختن آتش علیه شدت توحش سرمایه و علیه وضعیت رقت بار زندگی خویش دست به تظاهرات اعتراضی زدند. بر اساس اخبار، ساعاتی پس از شروع تظاهرات کارگران، فرماندار سرمایه در اسلامشهر وارد کارخانه شد تا مطابق معمول برای متقاعد کردن توده های کارگر به پایان اعتصاب و شروع مجدد کار تلاش کند. فرماندار چنان که سیره و سنت و رسم عمال دولتی سرمایه است بازم به جای پرداخت حقوق ها، دنیایی از وعده و وعید را به کارگران تحویل داده، وعده و وعیدهایی که چند صد کارگر لاستیک البرز به دروغ بودن آن یقین دارند اما صرف آگاهی آنان به بی پایگی و واهی بودن این نوع حرف ها یا ترفندها با کمال تأسف هیچ کمکی به استحکام سنگر پیکار و تشدید مقاومت آنان نکرده است و نمی تواند هم بکند.

کارگران کارخانه لاستیک البرز دست به اعتصاب زدند

امروز چهارشنبه نهم دیماه، کارگران کارخانه لاستیک البرز دست از کار کشیدند. این کارگران از ساعت 10 صبح در مقابل ساختمان مدیریت کارخانه دست به اعتصاب زده و خواهان

دریافت 5 ماه حقوق خود که از سال گذشته معوق مانده است، شدند. هفته پیش نمایندگان این کارگران به دفتر مدیریت کارخانه مراجعه نموده و خواهان گفتگو در مورد حقوق معوقه خود و نیز تعویق در دریافت دستمزد ماهانه خود شدند، اما مدیریت با بهانه این که این کارگران نماینده کارگران کارخانه نیستند و بایستی انتخابات شورای کارخانه تجدید شود از پذیرفتن نمایندگان کارگران خودداری کرد. این در حالی است که این نمایندگان جزو 27 نماینده منتخب مجمع عمومی سال گذشته کارگران می باشند، با وجود گذشت 9 روز از ماه دی، این کارگران هنوز موفق به دریافت حقوق ماه گذشته خود نیز نشده و هم چنین 5 ماه است که لیست بیمه این کارگران به تامین اجتماعی ارسال نشده است و دفترچه های درمانی آنان نیز تمدید نمی شود. مدیریت کارخانه هفته گذشته به جای پاسخ گویی به کارگران با اداره اطلاعات تماس گرفته و گفته بود که نمایندگان کارگران کارخانه لاستیک البرز قصد دارند کارگران را تحریک به ایجاد اغتشاش نمایند. کارگران نیز در واکنش به عدم پاسخ گویی مدیریت و در مقابل این اقدام فریب کارانه دست از کار کشیدند و هم اکنون در مقابل مدیریت کارخانه و در داخل کارخانه دست به تجمع زده اند

در اعتراض به انحلال شرکت؛ کارگران نساجی بافته‌های کرمان جاده را بستند

مسئولان بنا دارند 14 هزار هکتار زمین کارخانه را به صورت آزاد در معرض فروش بگذارند/ راس ساعت 16 غلامرضایی، معاون سیاسی فرمانداری کرمان با حضور در جمع کارگران خواستار متفرق شدن کارگران شد. ایلنا: 180 نفر از کارگران نساجی بافته‌ها از ساعت 2/30 تا 4 بعد از ظهر امروز (یکشنبه) اقدام به بستن جاده کردند. کارگران نساجی بافته‌های کرمان علت تجمع و بستن جاده را انحلال شرکت توسط سهامداران اعلام کردند. یکی از کارگران به خبرنگار ایلنا گفت: چندی پیش عده‌ای از مدیران در هیات تشخیص تصمیم به انحلال شرکت و انتقال دستگاه‌ها به شهرستان قزوین گرفتند که در اعتراض به این امر ما ظهر امروز اقدام به بستن جاده کردیم. وی گفت: مدیران در پایان 30 دی تصمیم به اخراج 18 نفر دیگر از نیروها گرفتند. طبق گفته خود مسئولان قرار است 35 نفر دیگر در پایان بهمن‌ماه و بقیه در آخر سال تسویه حساب شوند.

وی گفت: مسئولان بنا دارند 14 هزار هکتار زمین کارخانه را به صورت آزاد در معرض فروش بگذارند.

مبارزات کارگران لاستیک البرز برای گرفتن دستمزدهای معوقه خویش همچنان ادامه دارد. سرمایه داران و دولت سرمایه همچنان به مصادره دستمزدهای کارگران ادامه می دهند و در طول این مدت تمامی اشکال اعتراض آنان را بی جواب گذاشته اند. کارگران بر فشار مبارزات خویش افزوده اند. آنان موفق شده اند که 9 نفر از همزنجیران اخراجی خویش را به سر کار باز گردانند. اما از پرداخت حقوق های معوقه چند ماهه هنوز هیچ خبری نیست. چند صد کارگر لاستیک البرز در ادامه مبارزات خویش در صبح روز یکشنبه 11 بهمن ماه، بار دیگر برای ساعاتی چرخ تولید را از کار انداختند، همه آن ها در محوطه داخلی حیاط کارخانه اجتماع کردند و با افروختن آتش علیه شدت توحش سرمایه و علیه وضعیت رقت بار زندگی خویش دست به تظاهرات اعتراضی زدند. بر اساس اخبار، ساعاتی پس از شروع تظاهرات کارگران، فرماندار سرمایه در اسلامشهر وارد کارخانه شد تا مطابق معمول برای متقاعد کردن توده های کارگر به پایان اعتصاب و شروع مجدد کار تلاش کند. فرماندار چنان که سیره و سنت و رسم عمال دولتی سرمایه است بازم به جای پرداخت حقوق ها، دنیایی از وعده و وعید را به کارگران تحویل داده، وعده و وعیدهایی که چند صد کارگر لاستیک البرز به دروغ بودن آن یقین دارند اما صرف آگاهی آنان به بی پایگی و واهی بودن این نوع حرف ها یا ترفندها با کمال تأسف هیچ کمکی به استحکام سنگر پیکار و تشدید مقاومت آنان نکرده است و نمی تواند هم بکند.

تعویق دستمزدها و ادامه مبارزات کارگران لاستیک البرز

مبارزات کارگران لاستیک البرز برای گرفتن دستمزدهای معوقه خویش همچنان ادامه دارد. سرمایه داران و دولت سرمایه همچنان به مصادره دستمزدهای کارگران ادامه می دهند و در طول این مدت تمامی اشکال اعتراض آنان را بی جواب گذاشته اند. کارگران بر فشار مبارزات خویش افزوده اند. آنان موفق شده اند که 9 نفر از همزنجیران اخراجی خویش را به سر کار باز گردانند. اما از پرداخت حقوق های معوقه چند ماهه هنوز هیچ خبری نیست. چند صد کارگر لاستیک البرز در ادامه مبارزات خویش در صبح روز یکشنبه 11 بهمن ماه، بار دیگر برای ساعاتی چرخ تولید را از کار انداختند، همه آن ها در محوطه داخلی حیاط کارخانه اجتماع کردند و با افروختن آتش علیه شدت توحش سرمایه و علیه وضعیت رقت بار زندگی خویش دست به تظاهرات اعتراضی زدند. بر اساس اخبار، ساعاتی پس از شروع تظاهرات کارگران، فرماندار سرمایه در اسلامشهر وارد کارخانه شد تا مطابق معمول برای متقاعد کردن توده های کارگر به پایان اعتصاب و شروع مجدد کار تلاش کند. فرماندار چنان که سیره و سنت و رسم عمال دولتی سرمایه است بازم به جای پرداخت حقوق ها، دنیایی از وعده و وعید را به کارگران تحویل داده، وعده و وعیدهایی که چند صد کارگر لاستیک البرز به دروغ بودن آن یقین دارند اما صرف آگاهی آنان به بی پایگی و واهی بودن این نوع حرف ها یا ترفندها با کمال تأسف هیچ کمکی به استحکام سنگر پیکار و تشدید مقاومت آنان نکرده است و نمی تواند هم بکند.

کارگران کارخانه لاستیک البرز دست به اعتصاب زدند

امروز چهارشنبه نهم دیماه، کارگران کارخانه لاستیک البرز دست از کار کشیدند. این کارگران از ساعت 10 صبح در مقابل ساختمان مدیریت کارخانه دست به اعتصاب زده و خواهان

او گفت: قبلا 550 نفر در شرکت مشغول به کار بودند که مستواین به عناوین مختلف اقدام به اخراج کارگران کرده و در حال حاضر این تعداد 180 نفر هستند.

یکی دیگر از کارگران گفت: در سالهای 81 و 82 مدیران اعلام کردند دستگاه‌های این شرکت مستهلک و قابل استفاده نیست که در این خصوص گویا همین دستگاه‌ها به استان گلستان و تبریز انتقال و در حال حاضر فعال هستند.

یکی دیگر از کارگران گفت: در خصوص طرح طبقه‌بندی مشاغل مدت 5 سال به سازمان کارکرمان مراجعه کردیم که متأسفانه مسئولین تاکنون اقدامی به عمل نیاوردند.

گفتنی است راس ساعت 16 غلام‌رضایی، معاون سیاسی فرمانداری کرمان با حضور در جمع کارگران خواستار متفرق شدن کارگران شد و به آنان قول مساعد داد روز سه‌شنبه جلسه‌ای با حضور اعضای کمیسیون و جدیدساز مسئول شرکت در محل استانداری کرمان برگزار شود.

کارگران ایران خودرو یاد کارگران جان باخته شهر بابک را گرامی می‌دارند

دوستان و همکاران گرامی

روز چهارم بهمن سالروز جان باختن عده‌ای از کارگران بی‌گناه معدن خاتون آباد شهر بابک است

دردی ماه سال 1382 عده‌ای از کارگران معدن خاتون آباد شهر بابک در استان کرمان خواهان

استخدام و امنیت شغلی بودند که خواست بر حق این کارگران مورد پذیرش مدیریت قرار نگرفت عدم پذیرش خواست کارگران از طرف مدیریت موجب گسترش این اعتراض و شرکت

وسیع اعضای خانواده‌های کارگری شده و تحصن گسترده‌ای در خود معدن سازمان داده شد. این تحصن توسط نیروهای انتظامی محاصره و در درگیری کارگران با مأموران نظامی

تعدادی از کارگران در محل تحصن زخمی و دستگیر شدند پخش خبر دستگیری و محاصره و ضرب و شتم کارگران در شهر بابک که محل زندگی بسیاری از کارگران معدن خاتون آباد بود

موجب اعتراض وسیعی در این شهر شد. تظاهرات گسترده مردم شهر بابک در چهارم بهمن سال 1382 از زمین و هوا مورد یورش نیروهای نظامی قرار گرفته و چند تن از کارگران کشته

و چندین نفر از آنان زخمی و تعداد بیشمار دستگیر شدند.

در روزهای پس از این حادثه تاسف آور اعتراضات گسترده‌ای در شهر بابک و خارج از کشور توسط نهادهای بین‌المللی انجام شد مقامات و مسئولین دولتی در هراس از این اعتراضات

از خود سلب مسئولیت کرده و تقصیر را به گردن نهادهای دیگر انداختند و تا کنون نیز هیچ فردی و یا ارگانی بخاطر حمله به کارگران و کشتن آنان مجازات نشده است.

دوستان و همکاران گرامی

کارگران معدن خاتون آباد با خواست بر حق و ابتدایی کار مورد یورش قرار گرفته و به خاک

و خون کشیده شدند.

خواست آنان مگر غیر از امنیت شغلی چیزی دیگری بود کارگران کار می‌خواستند. ولی جواب آنها گلوله و مرگ بود یکی از دست آوردهای دولت حامی سرمایه داران ایجاد قانونهای

ضدکارگری و در راس آن قانون ضد بشری و غیر انسانی قانون قراردادهای موقت و شرکت‌های پیمانی می‌باشد که تمام امنیت شغلی را از کارگران سلب کرده است. حمله نیروهای

مسلح به کارگران شهر بابک دفاع از این قانون و دفاع از منافع سرمایه داران بود. سرکوب و کشتار کارگران شهر بابک تداوم این قانون بود و تا امروز نیز همچنان قربانی می‌گیرد حمله

به کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی و دستگیری صدها کارگر و بیکاری سازی کارگران آن حمله به کارگران بیگناه کارخانه فرش البرز شهر بابلسر حمله به کارگران نساجی پریس

شهر سمنج دستگیری و اخراج دهها نفر از همکاران خودما و هزاران نمونه دیگر مگر غیر از نشان حمله آگاهانه به کارگران شهر بابک می‌باشد. و تا زمانی که امنیت شغلی کارگران

تهدید می‌شود امنیت جانی آنان نیز در امان نخواهد بود و تا زمانی که قانون‌های ضد کارگری پابرجا است کارگران روی امنیت شغلی و آسایش و رفاه را نخواهند دید.

کارگران ایران خودرو در سالگرد این فاجعه ضمن همدردی مجدد با بازماندگان و اعضای خانواده جان باخته گان و همکاران آنان خواستار پیگیری این پرونده و محاکمه عاملان این

چنانیت و محاکمه تمام کسانی هستند که با ایجاد قانون قراردادهای موقت امنیت شغلی و جانی را از ما کارگران سلب کرده اند. ما کارگران ایران خودرو خواهان لغو تمام قراردادهای

موقت و انحلال تمام شرکت‌های پیمانکاری هستیم. تنها الام تسکین درد کارگران ایجاد امنیت شغلی و نابودی قانون‌های سرمایه دارای است.

دوستان و همکاران گرامی

چهارم بهمن تنها یک روز برای همدردی با کارگران شهر بابک نیست چهارم بهمن یورش به کارگران برای استعمار بیشتر و بهره‌کشی بیشتر از آنان می‌باشد. چهارم بهمن دفاع

کارگران از منافع و از امنیت شغلی خودشان بود چهارم بهمن و روزهای دیگر همچون روز چهارم دی ماه روز اعتصاب کارگران شرکت واحد روز 17 اسفند روز اعتصاب شکوهمند کارگران

ایران خودرو روز دهم تیر ماه روز اعتصاب کارگران شرکت ایران خودرو دیزل و هزاران روز دیگر نشان داده است هر وقت منافع کارگران به خطر افتاده است آنان تا پای جان از منافع خود

دفاع خواهند کرد چهارم بهمن یک برگ زرینی در تاریخ جنبش کارگری بوده و اینک وظیفه ماست که با گرامی داشت این روز پرچم این جنبش را همچنان زنده نگه داریم برای همین

مناسبت روز یکشنبه چهارم بهمن ۱۳۸۸ ساعت ده صبح در سالنهای غذا خوری دور هم می‌نشینیم وبا یاد آوری این روز یاد کارگران جان باخته شهر بابک و تمام

جانباختگان راه آزادی را گرامی بداریم زنده باد یاد تمام جانباختگان راه آزادی

طبقه کارگر

جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو چهارم بهمن ۱۳۸۸

درگیری در محل برگزاری انتخابات

کانون بازنشستگان کارگران ایران

خودرو

وزارت کشور از انتخاب نمایندگان

کارگران بازنشسته ایران خودرو

جلوگیری کرد

کانون بازنشستگان کارگران ایران

خودرو در آستانه انحلال قرار گرفت

روزیکشنبه چهارم بهمن ماه ۸۸ صدها کارگر بازنشسته ایران خودرو با وجود

کهرت سن برای دومین بار از راههای دور از شهرستانها به محل برگزاری انتخاب

نمایندگان کانون بازنشستگان خود در سالن ساپکو گرد هم آمده بودند تا نشان

بدهند برای کارگران تشکل با همه مشکلات و نارسائی‌ها چقدر اهمیت

دارد.

کارگران بازنشسته که سالها از ایجاد هر گونه تشکل در داخل شرکت ودر حین کار

محروم بودند ولی بعد از بازنشسته شدن چاره حضور وزنده بودن خود را برای حل

مشکلات دور هم جمع شدن را داشتن تشکل دیده بودند و برای همین چند سال

پیش تشکل کانون بازنشسته را تشکیل داده و حتی آن را در وزارت کشور به ثبت

رسانده بودند وکانون را به یکی از کانون های فعال در عرصه مبارزاتی ساختند.

کارگران بازنشسته با کوله باری از تجربه بر خلاف کارگران شاغل ایران خودرو

همچنان برای فعالیت کانون خود پافشاری می‌کنند

در حالیکه انتخابات ۲۰۰۳دی ماه به علت مشکلات زیاد ودرگیری برگزار نشد.

این بار همه آمده بودند تا اجازه ندهند کانون بازنشستگان منحل شود.

در حضور پرشور کارگران نمایندگان یکی روی سن رفتند و خود را بار دیگر به

همکاران خود معرفی کردند. ومنتظر ماندند تا نمایندگان وزارت کشور تشریف

بیاورند.

حدود ساعت ۱۲ ظهر سروکله نمایندگان وزارت کشور در ميات اعتراض کارگران وارد

سالن شدند. وبعد از کلی قصه بافی با کمال وقاحت اعلام کردند این انتخابات مورد تأیید وزارت

کشور وکمسیون ماده ۱۰ نمی‌باشد. وقتی که همه کاندیدها روی سن بودند

از آنها خواستند سالن را ترک کنند.ولی این کار نمایندگان وزارت کشور با اعتراض

کارگران مواجهه شد و کارگران اعلام کردند ما سالن را ترک نخواهیم کرد ما برای انتخابات آمده ایم و باید نمایندگان خود را انتخاب کنیم. نمایندگان وزارت کار وقتی که با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه شد اعلام کرد شما رای بدهید ما انتخابات را باطل اعلام می کنیم. ویا آوردن بهانه های مختلف و تهدید کارگران در میان فریاد کارگران که می گفتند این یک توهین آشکار به کارگران است سالن را ترک کرد. و بدین ترتیب نماینده وزارت کشور شقاقی از انتخاب نمایندگان کارگران ایران خودرو جلوگیری به عمل آورد و عملاً انتخابات به هم خورد. خودروکار

اخباری از کارخانه های استان گیلان

کارگران ایران کنف 27 ماه حقوق معوقه طلبکارند !!

کارخانه ایران کنف در 5 کیلومتر 5 جاده رشت - تهران حد فاصل جاده رشت - سنگر قرارداد. این کارخانه به دنبال بحران ناشی از بارش برف سنگین در بهمن سال 1383 تعطیل شد. هنگام این بحران کارخانه دارای 250 کارگر فعال شاغل بود که پس از این واقع به مرور بازنشسته شده و مفاصا حساب بازنشستگی آن ها از طریق فروش دستگاه ها و ماشین آلات کارخانه و با حکم دادگاه انجام گرفت. این کارخانه متعلق به بخش خصوصی و تولید کننده گونی های نخ از جنس کنف بود. کارفرمای کارخانه فردی به نام عطااله صدر رفیع است که 98% مالکیت کارخانه متعلق به او می باشد.

این سرمایه دار در ضمن استاد دانشگاه های آزاد در رشت است و هم اکنون مشغول تدریس است.

در گذشته، صدر رفیع مدتی مدیریت کارخانه فرش گیلان را به عهده داشت.

در حال حاضر 70 کارگر بلا تکلیف این کارخانه بین کارفرما، اداره کار، استانداری و سایر مراجع دولت اسلامی سرمایه داری پاس کاری می شوند.

از این 70 کارگر، 4 نفر زن و بقیه مرد هستند و در حدود 27 ماه حقوق و دستمزد از نیمه سال 86 طلب کار هستند، از برج 7 سال 86 تا کنون.

لازم به ذکر است که پس از بحران برف کارگران به اداره ی کار معرفی و حدود 30 ماه بیمه بیکاری دریافت کردند و پس از 3 سال بازگشت به کار شدند.

حاصل این بازگشت به کار برای کارگران، 27 ماه نگرفتن حقوق و عدم تمدید دفترچه های بیمه به مدت 20 ماه است که تنها در امسال 3 ماه حق بیمه کارگران توسط کارفرما پرداخت شد.

کارخانه دارای 28 هکتار زمین است که 2 هکتار از زمین کارخانه را برای فروش و پرداخت مطالبات کارگران قرار گرفت و پس از آمدن خریدار کارگران متوجه شدند که این 2 هکتار در رهن بانک صنعت و معدن در ازای دریافت وام یک میلیارد و 400 میلیون تومانی از جانب کارفرما - صدر رفیع - قرار گرفته است.

صدر رفیع مدتی یکی از انبارهای کارخانه را کاشی کاری کرده و به بهانه تغییر ساختار و ایجاد صنایع شیر توانست این وام کلان را بگیرد.

کارگران دارای 3 نماینده هستند که کارها و دعوای حقوقی کارگران و مراجعه به مراجع دولتی را به عهده دارند.

کارگران تا کنون بارها دست به تجمع در داخل و خارج کارخانه و یا در مقابل استانداری در رشت و اداره کار زده اند و نتیجه ای جز وعده های سرخرمن استاندار و دیگران نشنیده اند.

گفتنی است که کارگران حکم بازداشت کارفرما صدر رفیع را در دست دارند ولی به علت نفوذ این سرمایه دار در نهاد های قانون سرمایه داری، حتی مسئول دستگیری وی از "اطلاعات"

حاضر به دستگیری او نیست.

و کارگران هنوز به اقدام های قانونی متوسل می شوند تا شاید نتیجه ای بگیرند!!!

از کارخانه نساجی پارس ایران چه خبر؟

12 کارگر باقی مانده در کارخانه نساجی پارس ایران هر یک از 3 الی 5 میلیون تومان حقوق و دستمزد ماهیانه طلبکار هستند - و کارفرما - جواد افراشته ضد کارگر - هر از گاهی با پرداخت مبلغ ناچیزی وعده دستمزد معوقه را به آینده موکول می کند .

در مورد کارگران بازنشسته که 57 نفر هستند و قرار بود جواد افراشته بقیه مفاصا حساب بازنشستگی آن ها را که هر یک از 2 تا 4 میلیون تومان طلبکارند بپردازد، هنوز خبری نیست که نیست. لازم به ذکر است که جواد افراشته و فرزند وی محسن و خانواده وی سهامداران کارخانه هستند و وی بارها جهت تسویه حساب با کارگران از بانک های مختلف وام های میلیاردی دریافت کرده و مبلغ ناچیزی به کارگران پرداخت و بقیه آن را در حوزه های دیگر سرمایه گذاری کرده است .

ایران پوپلین : اکثریت کارگران منتظر بازنشستگی

کارخانه نساجی ایران پوپلین در 7 کیلومتر 7 جاده رشت تهران واقع است . این کارخانه در حال حاضر دارای 250 کارگر بوده که از این تعداد کارگر در حدود 50 نفر

قراردادی هستند و بقیه کارگران استخدامی و بالای 20 سال سابقه کار دارند .

طبق مصوبه اخیر مجلس که کارگران بالای 20 سال سابقه با در نظر گرفتن شرایط سختی کار می توانند بازنشست شوند اکثریت این کارگران منتظر اجرایی شدن این حکم هستند تا اقدام به بازنشستگی کنند.

در سال گذشته در زمستان به علت سیاست های ضدکارگری مدیر کارخانه وی مورد ضرب و شتم کارگران واقع شد، زیرا تصمیم به تعدیل شیفت های کار و کم کردن اضافه کاری گرفته بود که در نهایت مدیریت کارخانه موفق شد و در این راستا تعدادی از کارگران قراردادی را در انتهای سال اخراج کرد .

یاقوت سرخ: شرکت خدماتی

وابسته به بخش خصوصی

این شرکت خدماتی واسطه به کارگیری کارگران زحمتکش رفتگر در سطح شهر رشت و شهرداری است. در این شرکت در حدود 600 کارگر نظافتچی و تعدادی کارگر راننده جهت حمل و نقل کار می کنند.

شهر رشت به سه منطقه تقسیم و در هر منطقه از 170 الی 250 کارگر مشغول به کار هستند .

کلیه کارگران تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی و بیمه البرز هستند - کارگران "نمایند" یا "شورای کارگری" ندارند. در

بین کارگران تعدادی دیپلمه قرار دارند. دستمزد آن ها از 270 هزار تومان الی 400 هزار تومان است . شیفت کاری کارگران یکسره از 5 صبح تا 10 شب است . فقط وقت صبحانه و یا نهار به صورت موقت تعطیل می شوند .

کارخانه نساجی پوشش

این کارخانه در 2 کیلومتر 2 جاده رشت - انزلی واقع است .

کارخانه نساجی پوشش که بعد از ریزش برف سنگین سال 83 مانند بسیاری از کارخانه های دیگر استان

گیلان - نساجی پارس ایران، فرش گیلان، کف کار، خاور، فومنا و ... -

دچار بحران شد، کارگرانش یا به اداره کار جهت دریافت بیمه بیکاری معرفی شدند یا به مرور بازنشسته شدند .

کارگران قراردادی هم اخراج گردیدند - البته در طول این مدت کارگران پوشش همان طور که در خبرهای کارگری آمده است دست به اعتراض زدند .

بارها جاده رشت - انزلی را مسدود کردند و یا در مقابل استانداری دست به تجمع زدند که با توسط نیروهای انتظامی و افراد سازمان اطلاعات نظام سرمایه

داری سرکوب شده و یا با وعده های سرخرمن حضرات نماینده سرمایه داری

28 دی 88

کراواتی‌ها می‌خواهند شرکت ساسان را تعطیل کنند

یک ماه است که خط تولید شرکت تعطیل شده و کارخانه تبدیل به مرکزی برای پخش تولیدات کارخانه‌های نوشابه‌سازی شیراز و مشهد شده است/ما پول نمی‌خواهیم، کار می‌خواهیم. اینها: صبح روز یکشنبه حدود 400 نفر از کارگران شرکت نوشابه‌سازی ساسان در اعتراض به فشار مدیریت برای اخراج خود در محوطه داخلی این کارخانه دست به تجمع زدند و اظهار داشتند اگر به مشکلمان رسیدگی نشود مقابل ریاست‌جمهوری خواهند رفت و صدای خود را به گوش مسوولان خواهند رساند. به گزارش خبرنگار اینا، این کارگران با بیان اینکه ساسان حدود 1200 کارگر دارد، افزودند: مدیران این شرکت که همگی کراواتی هستند می‌خواهند ما را خانه به دوش کنند و چشم طمع به زمین این کارخانه دارند و می‌خواهند کارخانه را تعطیل کنند.

آنها تصریح کردند: سابقه کاری ما از 5 سال تا 20 سال است و همه ما قراردادی هستیم.

این کارگران با بیان اینکه از ابتدای سال 88 تاکنون حدود 300 نفر از کارگران ساسان اخراج شده‌اند، افزود: یک ماه است که خط تولید شرکت تعطیل شده است و کارخانه تبدیل به مرکزی برای پخش تولیدات کارخانه‌های نوشابه‌سازی شیراز و مشهد شده است.

کارگران ساسان اظهار داشت: مدیریت می‌گوید اگر تا 29 ماه جاری تسویه حساب کنیم 2 ماه سنوات می‌دهند اما اگر این کار را نکنیم یک ماه سنوات می‌دهد اما ما پول نمی‌خواهیم، کار می‌خواهیم.

آنان با بیان اینکه پیش از این قراردادهای کاری ایشان 3، 6 و 12 ماهه بود گفتند: در حال حاضر مدت قرارداد ما 10 روزه شده است.

آنان با اشاره به عدم پرداخت حق بیمه کارگران، گفتند: حقوق ما فعلاً پرداخت می‌شود اما یک سال است که کالا به کارگران داده نمی‌شود.

پیگیری‌های خبرنگار اینا برای توضیح مدیریت شرکت ساسان پیرامون اظهارات کارگران بی‌نتیجه ماند و نگرانی شرکت مانع ورود خبرنگار ما به قسمت مدیریت شد.

در استانداری سرگردان شدند. در طول این مدت نیز فردی به نام قرآنی - پسر عمومی قرآنی معروف که در تلویزیون قرآن تدریس می‌کند - که عنصری ضدکارگر و عمده سرمایه است بخش‌های زیادی از آهن آلات و ماشین‌های کارخانه را به عنوان ضایعاتی خارج کرد و ثروت هنگفتی در این میان به جیب زد.

هم اکنون کارخانه در اختیار شرکت آتیه دماوند قرار دارد. و تصمیم گرفته شد که 10 هکتار از 22 هکتار زمین کارخانه را به ساختن سالن‌های تولید اختصاص دهند و کارخانه را مجدداً فعال کنند.

برای راه اندازی کارخانه قرار است ماشین‌آلات کارخانه ورشکسته فومنت را به پوشش انتقال دهند. لازم به یادآوری است که کارخانه ورشکسته فومنت در سال 86 دارای 315 دستگاه‌های مختلف مانند 74 دستگاه چهارماکو، 60 دستگاه پارچه بافی و 1 دستگاه چاپ و دستگاه‌های دیگر بود که در سال 74 قیمت آن‌ها 4 میلیارد تومان برآورد شده بود.

آتیه دماوند در سال‌های 81 الی 83 کارخانه فومنت را تحت پوشش داشت سپس آن را به بانک صنایع و معادن تحویل داد.

حالا مشخص نیست خرید مجدد دستگاه‌های کارخانه فومنت توسط بنگاه اقتصادی آتیه دماوند چگونه انجام می‌گیرد؟

لازم به ذکر است که فردی به نام "درزی" که قبلاً "معاون فرماندار رشت بود هم اکنون بازنشسته شده و تصمیم به گرفتن وام و راه اندازی کارخانه را دارد.

درزی همان چهره ضدکارگری است که مانع از برگزاری مراسم اول ماه 87 در رشت گردید و خود عده‌ای از مزدوران انجمن‌های اسلامی کارخانجات و کارمندان داره کار را در سالن اداره کار در مرکز فنی و حرفه‌ای شماره 2 رشت جمع کرد و نمایش مسخره‌ای به نام برگزاری جشن روز کارگر به راه انداخت. تعداد کارگران در شرایط فعلی 160 نفر می‌باشند که در حدود 20 نفر از آن‌ها به نگرانی کارخانه مشغولند. کارگران با یک ماه تاخیر حقوق خود را دریافت می‌کنند.

گروهی از فعالان ضدسرمایه داری گیلان

دی ماه 1388

پایان اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

روز سه شنبه 29 دی ماه در حالی که اعتصاب رانندگان کامیون شرکت احیاگستران اسپادان ذوب آهن اصفهان وارد چهارمین روز خود شده بود آقایان و کیلی مدیر خراست میرلوحی رییس انتظامات و کریمی از دیسپاچرکل ذوب آهن به میان رانندگان آمدند و قول دادند که حقوق آنان در چهارشنبه و حقوق آذرماه در شنبه هفته آینده پرداخت شود. در مورد تبدیل وضعیت قرارداد رانندگان به قرارداد مستقیم با ذوب آهن نیز قول پیگیری داده شد.

به گزارش شورای کارگران ذوب آهن، بعد از صحبت این مسئولان رانندگان از شیفت عصرکاری سه شنبه کار خود را از سر گرفتند و در صبح چهارشنبه حقوق هر دو ماه پرداخت گردید.

در تحولی دیگر در روز سه شنبه رانندگان لیفتراک و لوادر شرکت رسول ماشین در قسمت موسوم به 600 ذوب آهن برای چندین ساعت دست به اعتصاب زدند که با حضور مسئولان شرکت و قول پرداخت حقوق آنان ماه تا آخر همین هفته رانندگان بر سر کار باز گشتند.

تشدید فضای خفقان و بگیر و ببند و اخراج در ایران خودرو

شرکت ایران خودرو فشار همیشگی خود علیه هر جنب و جوش اعتراضی کارگران را بسیار بیش از پیش شدت بخشیده است. مدیران و عوامل دولتی سرمایه سخت در هراسند که توده عظیم کارگران عاصی نیز روی به خیابان آورند و خواسته‌های خود را از دولت سرمایه داری در خیابان مطالبه کنند. این وحشت سرمایه داران فزون تر می‌شود زمانی که آنان ناراضی و خشم کارگران را زیر فشار وخامت روزافزون وضعیت معیشتی مشاهده می‌کنند.

عوامل دولتی سرمایه در کارخانه ایران خودرو با توجه به همین مسائل چهارچشمی چند ده هزار کارگر شرکت را زیر ذره بین کنترل قرار داده اند و تازیه‌های تهدید را از همه سو در بالای سر آنان به چرخش درآورده اند. قبل از هر چیز جمعیتی از کارگران دارای پیشینه بیش از 25 سال کار را به بهانه بازنشستگی پیش از موعد به خانه فرستاده اند. هدف آنان از این کار این است که تا حد ممکن از خطر کارگران دارای تجارب مبارزاتی بیشتر و تأثیرگذاری آن‌ها بر روی همزنجیران جوان خویش در امان مانند. عوامل سرمایه همراه با اقدام بالا دست به تشکیل یک گروه مافیایی ویژه برای کنترل همه جانبه کارگران و مهار هر نوع تحرک سیاسی آن‌ها در رابطه با موج اعتراضات جاری خیابانی شده اند. افراد این باند پلیسی سرکوبگر کارشان این است که هر روز عده‌ای از کارگران را احضار می‌کنند، آنان را مورد تهدید و ارباب قرار می‌دهند، برای آنان پاپوش درستی می‌کنند و سپس مجبورشان می‌سازند تا به

شرکت خویش در خیزش‌ها و جنگ و ستیزهای خیابانی اعتراف کنند. باند مافیای پلیسی سرکوبگر سرمایه به دنبال این تهدیدات و وحشت‌آفرینی‌ها و پرونده‌سازی‌ها به کارگران اخطار می‌کند که مدارک اخراج آن‌ها تکمیل است و اگر روزی روزگاری دست از پا خطا کنند حتماً اخراج خواهند شد. گزارش‌ها حاکی است که ایجاد چنین فضای رعب‌انگیزی فقط خاص کارخانه ایران خودرو نیست. مشابه این وضع در بسیاری از مراکز دیگر کار و تولید نیز کم و بیش دیده می‌شود.